

خیلی، دور خیلی نزدیک

اهدای مهم‌ترین جایزه فیلم‌برداری فرانسه به «کلاری»

● فرانک آرتا: «محمود کلاری»، فیلم‌بردار مطرح سینمای ایران، بار دیگر موفق به دریافت جایزه معتبر بین‌المللی شد. این فیلم‌بردار صاحب‌سبک بعد از دریافت جایزه‌های معتبر جهانی از کشورهای مانند ایالات متحده آمریکا و لهستان، این بار انجمن فیلم‌برداران سینمای فرانسه (AFC) از او تجلیل کرد. مهم‌ترین جایزه یک عمر فعالیت هنری در سینما که با عنوان «Cameflex» در فرانسه مشهور است، در مراسمی به محمود کلاری اهدا شد. عنوان این جایزه، از نام یکی از قدیمی‌ترین دوربین‌های سینمایی Cameflex در بسیاری از فیلم‌های فیلم‌سازان موج نوی سینمای فرانسه استفاده شده. این برنامه تجلیل، به مدت پنج روز از ۲۱ تا ۲۷ بهمن در Grand Action Cinema پاریس برگزار شد. در این مدت فیلم‌های مهمی که محمود کلاری، مدیریت فیلم‌برداری آن را بر عهده داشته، نیز به نمایش درآمد. فیلم‌هایی مانند بوی کافور، عطر یاس؛ بر و آفتاب؛ باد ما را خواهد برد؛ گبه؛ گذشته؛ جدایی نادر از سیمین؛ مرگ ماهی و بابا عزیز. همچنین دو فیلم ماهی و کرپه و قصه‌ها که اولی به طور مشترک و دومی توسط کوہیار کلاری، فرزند او، و نسل بعدی فیلم‌برداری شده، به نمایش درآمد. در واقع نمایش فیلم‌های کوہیار کلاری ثمره و دستاورد نگاه و عملکرد کلاری در پرورش نسل جدید در سینماست. یکی از بخش‌های منحصربه‌فرد این بزرگداشت، برگزاری Masterclass توسط کلاری بود و در این برنامه داریوش خنجی، فیلم‌بردار معتبر ایرانی‌تبار هالیوود، درباره جایگاه و روش کار کلاری سخنرانی کرد و البته جایزه توسط خنجی به این فیلم‌بردار مهم سینمای ایران اهدا شد. در این مراسم تعدادی از فیلم‌برداران عضو انجمن صنفی خانه سینما، محمود کلاری را همراهی کردند.

یک اتفاق ساده

یادی از فیلم‌های مانده در کمد!



کیوان کتیریان

● ۱. جشنواره سسی‌وچهارم تمام شد و دبیر آن ایفا شد. این یعنی آقای محمد حیدری یک‌سال تمام وقت دارد تا جشنواره سسی‌وپنجم را کم‌نقص‌تر از امسال برگزار کند. بررسی و رفع نقاط ضعف امسال کار دشواری نیست. جشنواره سسی‌وچهارم نقاط قوت داشت ولی نقاط ضعفی که می‌شد نداشته باشد هم کم نداشت. برای برنامه‌ریزی‌های جدید، ایده‌های تازه و رفع کاستی‌ها و حتی ایجاد اصلاحات اساسی، یک‌سال اصلا زمان کمی نیست؛ البته اگر عزمی وجود داشته باشد. به‌رحال شمارش معکوس برای برگزاری جشنواره سسی‌وپنجم آغاز شده، کاش برای آقای دبیر این شمارش معکوس معنای روشنی داشته باشد.

۲. روز بعد از افتتاحیه چیزی در همین صفحه نوشتم که باعث سوتفاهم شد. طبعاً بارها نوشته‌ام که با توقیف هیچ فیلمی که در چارچوب قانون و با مجوزهای رسمی تولید شده باشد موافق نیستم و پیش‌تر هم در همین ستون نوشته بودم که سازمان سینمایی موظف است با شجاعت و قدرت از حق همه فیلم‌ها دفاع کند. باید وقتی مجوز نمایش داد، شرایط اکران فیلم‌ها را فراهم کرد؛ از عصبانی نیستم تا شکیفتی و از خانه پدري تا خانه دختر و از رستاخیز تا آشفال‌های دوست‌داشتنی. حتی به‌گمانم سازمان سینمایی باید رک‌وراست تکلیف فیلم‌هایی چون خیابان‌های آرام و گزارش یک جشن را هم روشن کند. برخی از این فیلم‌ها کاملاً بی‌منطق در محاق افتاده‌اند و تنها قربانی مجادلات سیاسی شده‌اند؛ مجادلاتی که یک طرف آن به برخی بهانه‌ها خط‌و نشان کشیدن و دل‌پاوسی به میدان می‌آید و طرف دیگر دادم درصدم مراعات و مہاشات و غیب‌نشینی است که به گوشه قبابی کسی نبرخورد. بی‌مناسبت نیست که گاهی نام این فیلم‌ها یادآوری شود تا کسی یادش نرود که تکلیف این فیلم‌ها هنوز نامشخص است.



احمد رضا دالوند

اگر بپذیریم که پوستر عرضه‌شده برای فیلم «آلادت نمی‌کنیم»، واقعا یک پوستر است، در بهترین حالت پوسترِی مناسب برای فضای سر بسته و داخل یک سالن انتظار می‌تواند باشد، اما نه پوسترِی برای شهر و گذرگاه‌های پرتردد!

پوستر فیلم «آلادت نمی‌کنیم» دچار پروگویی و لغاظی تصویری است و همچون سایر پوسترهای دیده‌شده در جشنواره امسال به بیماری «میزان‌باز سست و لق» دچار است. دانستن این نکته که یک پوستر چطور با سیاق «روایی» Narrative و با پر حرفی می‌خواهد وظیفه پیام‌رسانی و انتقال فوری معنای موردنظر را انجام دهد، می‌تواند ما را با آسیب‌شناسی ارتباط هنر و رسانه آشنا کند.

کیست که نداند پوستر، یک هنر خیابانی

سحر آزاد، سوسی‌وکیمن جشنواره موسیقی فجر که از ۲۱ بهمن سال جاری آغاز به کار کرده است، امسال یکی از پرحاشیه‌ترین دوره‌های خود را گذارند. این حاشیه‌ها از همان روز ابتدای جشنواره آغاز شد. علی رهبری، مدیر هنری ارکستر سمفونیک تهران در آیین افتتاح این دوره برای اولین‌بار حضور داشت که نسبت به نحوه برگزاری جشنواره انتقاد دارد:

❧ چرا نسبت به برنامه‌ریزی ای که برای ارکستر سمفونیک در جشنواره موسیقی فجرشده اعتراض دارید؟

در فرهنگ ما چیزی وجود دارد که هم خیلی عالی و هم اقتضاح است و آن دوستی، فامیلی، نون‌ونکم خوردن، رفیقی، مهدلی، هماهنگی و... است. وقتی اینها وارد کار می‌شود، اقتضاح است. این دوستی و رفاقت اسم‌های دیگر هم دارد و وقتی منفی می‌شود به آن مافیایی می‌گویند. گروه مافیا یک فامیل است در پالرمو و سیسیل ۲۰ سال در سیسیل هم کار کرده‌ام.

❧ یعنی فکر می‌کنید در موسیقی ایران هم مافیا وجود دارد؟

نمی‌تواند نباشد. اسم مافیا بد است. کسانی در پالرمو هستند که وقتی با آنها صحبت می‌کنید از مافیا به نیکی یاد می‌کنند. در ایران من عنوانی از مافیا نبرده‌ام بلکه گسان دیگری از آن نام برده‌اند چون مافیا اسم ایتالیایی است. من اسم آن را رفیق‌بازی، فامیل‌بازی و باندبازی می‌گذارم. حتی یک جوان ۲۷، ۲۸ ساله که از اروپا وارد شده، به فکر این بود که به کدام‌یک از باند‌ها برود. حالا علی رهبری که ۴۰ سال قبل مدیر دو ارکستر، هنرستان موسیقی سنتی و کنسرواتوار تهران بوده، این‌طور نبود و الان که نیازی به این کارها ندارم، در این مورد سخت‌گیرتر هم شدم. درست است که احساس تهلی می‌کند اما قدم‌هایی برداشته می‌شود که برای بچه‌های آینده احتمالا مثبت خواهد بود و آن این است که از این دسته‌بندی، باندبازی و رفیق‌بازی کنار بکشد. البته این کار هزینه‌ای دارد که باید پرداخت کرد و می‌دانستم که باید بیه آن را به تنم بمالم. بچه‌های ارکستر سمفونیک ثابت کردند که اینجا حتی خیلی راحت‌تر از جاهای دیگر می‌توان جلوی باندبازی و تبلی را گرفت.

❧ این باندبازی‌ها چقدر وجود دارد؟

مشکل ما از اینجا شروع شد که ارکستر سمفونیک تهران یک ارکستر حرفه‌ای است و در ۴۰ سال گذشته در جشنواره‌های خارجی معتبری حضور داشته‌ام اما برای اولین‌بار جشنواره مملکت خودم، من را دعوت کرد. اولاً این یک سؤال است که مگر نمی‌دانستید علی رهبری زنده است و در جشنواره وین اجرا دارد؟ به‌رحال من را هیچ‌وقت دعوت نکردند و نادانی هم نگاه نیست و من تنها نیستم. هنرمندانی خارج از ایران هستند که هیچ‌کس سراغشان نمی‌رود انکار آنها ایرانی نیستند. ما از هشت ماه قبل افتتاحیه و اختتامیه جشنواره موسیقی را بر عهده ارکستر سمفونیک گذاشتیم و یک کنسرت وسط را هم برای رهبر مهمان می‌گذاریم. هشت ماه قبل آرشا کابوایی را که یکی از بهترین سولیست‌ها است، انتخاب کردیم. او در ۱۶ سالگی با ارکستر لندن اجرا کرده بود و خانم لیدل آنستپور که قرار بود بعد از جشنواره در مسابقات جهانی پیانو در بروکسل شرکت کند نیز برای حضور در جشنواره فجر دعوت شد. وقتی آقای نوربخش مدیر جشنواره شد، او را دیدم و به او عمداً گفتم که یادتان نرود ما برنامه‌ها را مشخص کرده‌ایم و از چند ماه قبل همان‌ها دعوت شده‌اند. ایشان هم گفت چشم و بنیاد رودکی به صورت کتبی این موضوع را به آنها اطلاع داده بود. وقتی جدول جشنواره را دیدم، متوجه شدم در افتتاحیه و اختتامیه حضور نداریم و آقا و خانم ایرانی هم نیستند و من و آقای کاروان که ویولونپسند هستیم، در برنامه‌ای که از قبل مشخص شده است، مانده‌ایم. من ناچار شدم برنامه دو سولیست ایرانی را کنسل کنم و آبرویمان جلوی آنها رفت. وقتی آقای مرداخانی متوجه شد و مسئله رسانه‌ای شد و آقای

انتشار جهان شاعرانه در «اقیانوس آرام»

شرق: مجموعه شعر «اقیانوس آرام»، سروده علیرضا بهرامی، منتشر شد. به گزارش روابطعمومی انتشارات مروارید، این مجموعه شعر حاوی ۵۲ شعر در قالب آزاد و در ۱۲۰ صفحه به بازار کتاب عرضه شده است. «اقیانوس آرام» علاوه بر شعرهای ضدجنگ، شعرهایی را هم دربر می‌گیرد که تحت‌تأثیر سفرهای شاعر به نقاط مختلف ایران و جهان سروده شده‌اند. به‌عنوان اولین شعر کتاب می‌خوانیم: دست‌کم هفته‌ای چندبار /صفحه‌های آخر تقویم را / ورق می‌زنم، با شناسه کشوری /که تا تلفظ درستش نامش را نمی‌دانم، / نشانه‌ای را تعقیب می‌کنم / و

است... از همان آغاز پیدایش پوستر، در اواخر قرن نوزدهم میلادی توسط «فدریک واکر» انگلیسی و «ژول شره» فرانسوی و بعدها «هانی تولوزلوترک» بزرگ و... پوستر زاده شد تا در خیابان به وظیفه‌اش عمل کند. از آنجا که خیابان نه موزه است و نه آرت‌گالری، ضمن دیدن پوستر ممکن است از یک عابر شتابان تن‌های هم بخوری، یا عبور هر چیزی مانع دیدارت شود و هر مانع سار و ثابت دیگری تماشایت را مختل کند. طراحان پوستر با سطوح ساده و رنگ‌های آفتشیال و حروف قاطع و خوانا (با تأکید بسیار بر خوانایی) و تصاویر موجز و سازماندهی مبتنی بر انتقال سریع عوامل تشکیل‌دهنده کار (سواد بصری، تصویرگری نقاشانه یا عکاسانه، لی‌اوت، شناخت تایپوگرام و

بودجه ارکستر سمفونیک افزایش یافت

گله علی رهبری ازباندبازی جشنواره موسیقی فجر



عکاس: سید جلاله موسوی

دیگر را دنبال کرده بودم و دلایل آقای عزیزاده را مطالعه کرده بودم و همه اینها برایم کافی بود که بگویم یک مدیرعامل خانه موسیقی نمی‌تواند از قدرتش سوء استفاده کند و با ما این‌طور برخورد کند. البته الان که کنسرت ما تمام شده، شنیدم برایمان تبلیغ شده است. اینها مخصوص ایران است. البته در اینجا برای ما اتفاقی افتاد که بسیار عالی بود و بلیت‌های ما زودتر از هر گروه دیگری فروش رفت. قبل از اجرای مراسم در افتتاحیه خانم‌هایی که قبل از ما برنامه داشتند، ۴۰ دقیقه دیرتر برنامه را شروع کردند. قرار بود ساعت هشت شب ساندچک کنیم که با یک ساعت تأخیر شروع شد و ساعت ۹:۲۰ دقیقه ساندچک کردیم و مردم که منتظر بودند، داخل سالن آمدند اما در خبرها می‌آید به دلیل بحثی که علی رهبری بر سر ویذونی پخش داشته، ۴۰ دقیقه دیرتر برنامه شروع شد اما وقتی من ساعت ۹ شب که روی سن آمدم و درحال چیدن صندلی‌ها بودم، یکی از خانم‌های همکار در جشنواره جلوی مدیر داخلی ما

گفت که آقای پورناظری گفته‌اند ویذونی آقای عزیزاده پخش نشود. من هم گفتم اگر ویذونی ایشان پخش نشود، قطعه نینوا را امشب رهبری نمی‌کنم. اما صحبت لوگو نبود. وقتی آن خانم گفت می‌خواهم به مقامات بالا تلفن کنم، خودشان تصمیم گرفتند که پخش نکنند. آقای پورناظری می‌گوید که چنین چیزی نبوده است.

❧ **سلح کیفی جشنواره چطور است؟**

من با افتخار در جشنواره شرکت کرده‌ام اما امیدوارم واژه بین‌المللی به جشنواره برگردد، یعنی مسئولان را مجبور کند که بین‌المللی فکر کنند. آنها عقیده دارند چون جشنواره‌های پراگ و... عنوان بین‌المللی ندارند، ما هم نداشته باشیم. آنها بین‌المللی شده‌اند. ما نیاز داریم اجراکنندگان جشنواره در سطح بین‌المللی باشند. می‌گویند بلیت‌های جشنواره خوب فروش رفته است. این به‌آن معناست که مردم تمه‌اند و شما هر سطحی به آنها بدهید، می‌آیند پس در سطح بالا کارها را به آنها ارائه کنید. به عقیده من خط جشنواره هم باید بین‌المللی شود و از افرادی مانند عزیزاده باید جویا شد که چرا در جشنواره حضور ندارند. آنها هم جشنواره فجر را دوست دارند هم وطن‌پرست هستند. به عقیده من رئیس جشنواره بعدی در اولین‌گام باید عزیزاده را قانع کند که در جشنواره مملکت خودش برزد. خط‌مشی جشنواره باید مشخص شود نه اینکه هر کسی که کاری نداشت در جشنواره اجرا کند. فراموش نکنید وقتی دیر برنامه‌ریزی می‌کنید، آن‌هم با افرادی که جشنواره جهانی ندارند، فقط می‌توانید سراغ افرادی بروید که بی‌کار باشند، وگرنه برنامه افراد حرفه‌ای از قبل مشخص است اما در مورد موضوع مثبت هم باید بگویم، هفته گذشته از حدود صد نفر آزمون گرفتیم و یک لیست ۷۵ نفری که قبول شدند، قرار است وارد ارکستر سمفونیک جدید تهران شوند و از اوایل اسفند قراردادشان حاضر باشد و قول داده شده است مشکلات مالی جبران شود...

❧ **الان مشکلات مالی برطرف شده است؟**

نخیر هنوز حقوق بچه‌ها از سوی بنیاد رودکی کامل داده نشده است. هر ماه یک مقدار کم داده شده و ماه گذشته هنوز داده نشده است و اگر هر جای دیگری بود، با این شکلی که حقوق داده شده و به جای سی روز، بیست یا هجده روز داده شده، ارکستر تعطیل می‌شد. اما بهترین هدیه‌ای که می‌شد بعد از یک سال به ما داده شود، این بود که آقای مرداخانی پس از اجرای مراسم افتتاحیه به پشت صحنه آمد و گفت که خیالتان راحت باشد، قرارداد شما و نوازندگان در بهترین شرایط درست شده و بودجه ارکستر سمفونیک از فروردین افزایش خواهد داشت.

شرق: در نشست بزرگداشت ابوالحسن نجفی از اهدای جایزه‌ای به نام این چهره فقیه به بهترین رمان و مجموعه داستان کوتاه ترجمه سال خبر داده شد.

در آغاز این نشست که با عنوان «دایره نجفی: نوآوری‌های ابوالحسن نجفی در عروض فارسی» در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد، محمدخانی از خدمات علمی و فرهنگی نجفی در مقام زبان‌شناس، مترجم، فرهنگ‌نگار، عروضی برجسته و صاحب‌نظر در حوزه ادبیات تطبیقی یاد کرد. او به برگزاری سمینار «ترجمه ادبیات فرانسه به فارسی و بزرگداشت ابوالحسن نجفی» در نمایشگاه بین‌المللی پاریس با حضور صاحب‌نظران ایرانی و فرانسوی اشاره کرد و افزود: مرکز فرهنگی شهر کتاب از سال ۱۳۹۵ جایزه ابوالحسن نجفی را به بهترین ترجمه رمان و مجموعه داستان کوتاه سال اهدا می‌کند و هیأت علمی و داوران این جایزه با حضور ضیاء، موحّد، کوثری، معصومی‌همدانی، مهستی بحرینی، عبدالله کوثری، محمود حسینی‌زاد

یک پوستر، یک جشنواره

نگاهی به پوستر فیلم آلادت نمی‌کنیم

پوسترِی با خصلت «روایی»



آلادت نمی‌کنیم، بد نباشد اما همه مردمان اهل فرهنگ و آشنا با فیلم و با ملزومات رسانه‌ای سینما از ۱۸۰ سال پیش به این‌سو و از روی دست تولوزلوترک فرانسوی و ممیز ایرانی آموخته‌اند که پوستر تأثیرگذار چگونه پوسترِی است.

حوالی برج میلاد

یادداشت‌های روزانه تماشاگر صندلی ردیف وسط

حاج ابراهیم ودآوری مسئله‌دار!؟

مهرداد جتیی

● «چرا این‌قدر شلوغش کرده‌اید؟ مگر قرار است هرگاه ابراهیم حاتم‌ی‌کیا فیلم ساخت به او جایزه بدهند؟ حالا جایزه ندادند. اینکه دیگر این همه جار و جنجال ندارد! ماشاءالله تمام امکانات برای جوسازی را هم در اختیار دارید تا حسابی شلوغش کنید. یکی از شما می‌رود شبکه خبر، یکی دیگران می‌رود شبکه چهار، آن یکی می‌رود شبکه سه، بقیه هم پخش می‌شوند در مطبوعات و فضای مجازی تا فضا را سنگین کنند». این حرف‌های تماشاگر صندلی ردیف چپ است که خطاب به تماشاگر صندلی ردیف راست می‌گوید. اختتامیه جشنواره به دقایق پایانی‌اش نزدیک است و ما تماشاگران آن هم به پایان راه دهه یازده‌روزه آن رسیدیم. اما این دو دوست «راست» و «چپ» من، انکار قرار است همچنان به راهشان ادامه دهند. از جoon تا شواهد و قرائن این چنین برمی‌آید که حرف‌های آنها هنوز تمام نشده است. بحث و مناظره به آنها مژه کرده است. لابد، نوبت تماشاگر صندلی ردیف راست است که حرف بزند. می‌گویند: «نادیده‌گرفتن حاج ابراهیم اشتباه بود. آدم بزرگی است. آدم‌های بزرگ را نادیده‌گرفتن لوازم دارد. داورِ منش را هم باید بپذیرند. وقتی در هیأت داوران تصمیم گرفتند تا آدم به این بزرگی را نادیده بگیرند، باید خودشان را برای لوازش آماده می‌کردند. هرچه باشد حاج ابراهیم نزد برادران ما وجهه دارد. چرا شما به اقدام حذفی هیأت داوران اعتراض نمی‌کنید، اما به اعتراض برادران ما در رسانه‌ها معترضید؟» جشنواره مثل برق و باد به آخر می‌رسد و من نگرانم که مناظره این دو دوست درخصوص «ابراهیم حاتم‌ی‌کیا» و جنجال‌های پیرامونش بی‌نتیجه، ناتمام بماند. به تماشاگر صندلی ردیف چپ رو کردم. منتظر بودم پاسخ دهد، که داد. گفت: «بین دوست من، شما می‌گویید «حاج‌ابراهیم» شما، یعنی همان «ابراهیم حاتم‌ی‌کیا» معروف را در دآوری نادیده گرفته‌اند. شاید حق با شما باشد. اما مگر شما این حق را برای داوران قابل نیستی‌تان بی‌اعتنا به جنجال‌ها و هیاهوها کارشان را انجام دهند؟ خوب بگذارید کارشان را بکنند. این‌همه جنجال و هیاهو برای چه؟ نویسنده باسابقه «کپهان» شبی که نامزدها را اعلام کردند به شبکه سه تلویزیون (برنامه هفت) رفت تا در واکنشی تند به هیأت داوران بفهماند آنها اشتباه کرده‌اند و تا دیر نشده می‌توانند رأی‌شان را تصحیح کنند و حاتم‌ی‌کیا را به فهرست نامزدها بازگردانند. این رفتار با اصولی که شما مدعی آن هستید سازگاری ندارد. این را که قبول دارید». من به‌عنوان شنونده از به‌کارگیری منطق برای استوارکردن استدلال در این‌گونه مباحث به وجد می‌آیم. چه «چپ» باشد، چه «راست». فرقی نمی‌کند. باید آن را شنید. این نشانه عقلانیت و خردورزی است و «خرد نقاد» در زمان «نقد» است که به کار می‌آید. ازهمین‌رو باید به چنین گفت‌وگو و مناظره‌هایی اعتنا کرد و برای امکان آن فضا فراهم کرد. تماشاگر صندلی ردیف راست با نگاهی به اطراف رو به تماشاگر صندلی ردیف چپی می‌گوید: «ما به اصول خود پایبندیم برادر. لازم نیست شما به ما یادآوری کنید». تماشاگر دست چپی می‌گوید: «اما گویا یادتان رفته. شما همان کسانی نیستید که معتقد بودید اگر گروهی را به دآوری در امری گماردند، باید همه به رأی آنها احترام بگذارند؟» تماشاگر دست راستی می‌گوید: «اما اینجا فرق می‌کند. اینجا داوران تحت‌تأثیر جوسازی گروهی امثال شما حق را ناحق کرده‌اند و «حاج ابراهیم» را از فهرست نامزدها بیرون گذاشته‌اند. اصلاً او را نادیده گرفته‌اند. ما می‌گوییم دآوری باید از روی انصاف باشد. نباید جاح‌بندی و گرایش‌های روی داوران تأثیر بگذارد. اینکه حرف نایبندی نیست. هست؟» تماشاگر دست چپی می‌گوید: «هر حرفتان کاملاً درست است. به شرطی که در همه عرصه‌ها به این پایبند باشید. این نمی‌شود یک‌جا شما داوران را مقبول بدانید و در جای دیگر خطا‌کار! یک‌جا آنها را به عرش ببرید و در جای دیگر به فرش. اینجاست که می‌گویم شما به اصول خودتان پایبند نیستید. اصولی که در آن باید تجدیدنظر کرد.» تماشاگر دست راستی می‌گوید: «باز هم می‌گویم اینجا فرق می‌کند. این داوران را ما نگذاشته‌ایم. تماشاگر دست‌چپی می‌گوید: «معلوم شد چرا دآوری آنها را قبول ندارید؟ اگر داورها از خودتان بودند دیگر مشکلی پیش نمی‌آمد. همه چیز بر وفق مراد بود. هم فهرست نامزدها و هم...» تماشاگر دست راستی حرف تماشاگر دست‌چپی را قطع می‌کند و می‌گوید: «به این غلیظی هم که شما می‌گویید نیست. اما باید به ما حق بدهید. نادیده‌گرفتن حاج‌ابراهیم لوازمی دارد». تماشاگر دست چپی می‌گوید: «آیا این حرف را باید به‌عنوان استدلال از شما بپذیرم؟ به نظر می‌رسد شما و دوستان‌تان فقط موافقت با آرای خودتان را نحوه صحیح دآوری می‌دانید و اساساً به کسی «داور» می‌گویید که نظرات شما را اعمال کند. داور در نگاه شما یعنی کسی که مصلحت را به نحوی که شما و دوستان‌تان تشخیص می‌دهید، تشخیص دهد. خوب در این صورت حرفی برای گفتن نمی‌ماند». این را می‌گوید و رو به سوی صحنه می‌گرداند. همه کسانی که بر روی صحنه می‌روند با دست پَر پایین می‌آیند. فقط آنها‌ی که بیرون صحنه‌اند دست‌هایشان خالی است. من هم که تماشاگریم. تماشاگر صحنه‌ای که محل رفت‌وآمد «برنده‌ها» است. در پایان این دهه یازده‌روزه به این می‌اندیشم که آیا باز هم این دو دوست پر چانه «چپ» و «راست» را خواهیم دید؟ تصمیم می‌گیرم در رویدادهای دیگر با آنها همراه شوم تا روائنگر گفت‌وگوهایشان باشم، رویدادهای پیش رو.